

بشارت و تبریک

شماره اول دوره سوم «مجله تاریخ اسلام» بمدیریت
دانشمندی و مورخ محترم جناب آقای علی اکبر تشید در افق
مطبوعات کشور طلوع نمود، انتشار این مجله سودمند و
پر بهاء را بدوستان علم تاریخ بشارت، و بدوست ارجمند
خودمان و مدیر محترم آن صمیمانه تبریک عرضه داشته
موفقیت ایشان را در راه خدمت با اسلام و مملکت عزیز ایران از
خداوند متعال خواستاریم

کتابخانه آنلاین «طالقانی» و زمانه ما

صاحب امتیاز سید فخرالدین برقی

مدیر مسئول سید یحیی برقی

تحت نظر هیئت تحریریه

جای اداره

قم - تیمچه بزرگ

قیمت ۱۲ شماره (یکسال) ۷۵ ریال

۷

تک شماره

حکمت

مجموعه

تأسیس ۱۳۳۲

در این شماره:

- تأثیر احساسات - کواکبی و استبداد - کار در اسلام -
- در شهادت آیت خدای اکبر حضرت علی اصغر - شیعه و عاشورا -
- اجتهاد بر آئی پیغمبر - حکومت عشق بر عقل - فلسفه احکام -
- حسین مصباح الهدی - مزایای دین اسلام - معجزه -
- آخرین دیدار و وداع اباعبدالله الحسین (ع)

هکاران این شماره:

آیه الله آقای حاج سید علی اکبر برقی

» سید محمود طالقانی

» مهندس بازرگان

» تابنده

» جناب زاده

» طیبی شبستری

» حاجتی کرمانی

» حیدر علمی قلمداران

دوره چهارم

۳

شماره

۱۳۳۹

تیر ماه

۱۳۸۰

محرم الحرام

کواکبی و استبداد

اختر فکر و نفوذ شعاع منطق سید کواکبی هر چه فروزانتر و بیشتر میشود، نگرانی دستگاہ ظلم و استبداد خلافت عثمانی بیشتر می گردید .

زیرا - چنانکه فضاء تاریخ شب محیط مساعد تاخت و تاز راهزنان و درندگان و حشرات موزی است - جهل و نفاق و غفلت عمومی مردم محیط مساعدی برای نمو و دوام استبداد و ظلم و خودسری است ، آنچه پرده تاریک استبداد را متلاشی می سازد هشیاری و ایمان و پیوستگی و توجه مردم بمسئولیت است ، بدینجهت کسانیکه برای هشیاری و پیوستن طبقات و ایجاد روح مقاومت و مسئولیت مردم بکوشند دشمن شماره یک استبداد و خودسردی فردی و طبقاتی بشمار می آیند و عمال استبداد با هر وسیله ای که در دست دارند برای محدود ساختن و از میان برداشتن چنین مردانی میکوشند و با هزار چشم مراقب اعمال و حرکات آنها هستند و بر سر راهی که این مردان خیر و اصلاح دارند موانعی میگذازند و دامهایی میکشند ؛ مرحوم کواکبی که جهل و فساد و پراکندگی مسلمانان را از یکسو و زیر این پرده های تاریک ، فشار و ظلم و خودسردی عمال استبداد را از جهلت دیگر می نگرست ، در وجدان حساس و زنده خود فشار و نگرانی برای آینده اسلام را سخت احساس می نمود و خود را مسئول میدانست بدینجهت شب و روز برای بیداری و ایجاد روح مقاومت مسلمانان تلاش میکرد .

کناه بزرگ او بحساب دربار ظلم خلافت عثمانی همین بود ، عمال این دستگاہ خود سری با اشاره مستبد بزرگ برای از میان بردن یا محدود کردن او در کار بود .

بیشتر گفته شد که خاندان کواکبی از دو دمان اهل بیت و سادات شریف بودند و

او با آن شرافت نسب و حسب مقام تقابلی اشرف یعنی ریاست و نظارت بر خاندانهای سادات آن نواحی را داشت (این منصب و عنوان از زمان خلفاء عباسی برای گزیده ترین مردان علوی بود تا هم انتساب و شرافت سادات محفوظ ماند و هم مرجع رسیدگی امور و مدافع مظلومین آنها باشند) این مقام همیشه مورد احترام مسلمانان علاقه مند به خاندان پیغمبر (ص) بوده بخصوص اگر با مقام علم و اخلاق و فداکاری جمع شود چنانکه سید کواکبی بود.

این روش دستگامهای خود سری است که افراد پست و متملق را بصورت مردان حق و فضیلت درمی آورند و آنها را بمقاماتی بالا میبرند و میدان نفوذشان را باز میگذارند تا هم توجه مردم عامی را از شاخص های فضیلت و آزاد منشی بر گردانند، هم دست پرورده های خود را در دل های مردمی جای دهند و هم با سوء اعمال و رفتار این افراد فریبکار مردمی را دچار بدبینی و اشتباه سازند.

یکی از ارکان استبداد عبدالحمید شخصی بنام «ابوالهدی صیادی» یا در حقیقت «ابوالضلال شیادی» بود، این مرد پیشینه روشنی نداشت ولی با فکر شیطانی و خوی تملق و پستی نسبت به زورمند جبار، و پلنگ صفتی و درندگی نسبت به ضعیف خود را بسططان نزدیک کرده و از این راه مقام و نفوذ و ثروتی بدست آورده بود، و در سراسر کشورهای غرب اسلامی نامش بعنوان، سیدالعرب، و مستشار الملك، و حامی الخلافة برده میشد، و با هر جنبش اصلاحی دشمنی مینمود؛ قربانیهای دسیسه پرورنده سازی وی یادرزندانها تاریک بسرمی بردند یا در سینه قبرستانها و شکم جانوران دریائی بسفور و اعماق دریا جای داشتند.

نظر مرحوم سید جمال الدین سرسختی و مقاومت در برابر این شخص بود و میگفت مزای او تنها چوبه دار است، نظر مرحوم شیخ محمد عبده این بود که باید با او نرمی و ملاحظت کرد تا از شرش بر کنار ماند؛ و میگفت جای داشت که سید جمال الدین از دربار آستانه چند لیره ای بیشتر برای او و فرزندان او بگیرد و با او دهد تا دهانش بسته و از کیدش در امان ماند. این شخص برای آنکه از نفوذ و مقام کواکبی بکاهد و بر نفوذ خود

بیا فریاد ، خاندان خود را از سلسله سادات معرفی کرد و مقام نقابت اشراف را برای خود طلبید ؛

با آنکه دارای هیچ حسب و نسب شریفی نبود ، سید کواکبی در این باره سخت ایستادگی نمود بصحت حسب و نسبتش بخاندان علوی اعتراف نکرد ، اختلاف و ستیزه میان این دو قطب متقابل فکری و خلقی بالا گرفت ، ابوالهدی زیر نامه های : مخالفت با نظامات و مصالح عالیه و خیانت بامیر المؤمنین و خلیفه المسلمین برای سیدپرونده سازی نمود ، نتیجه آن شد که اموال و املاک سید را مصادره و ضبط نمودند ، ولی هر چه فشار بر او بیشتر میشد ، مقاومتش سخت تر میگردد و هر چه آسایش زندگی و بهره مادیش کمتر میگردد نور امید و حرارت جهادش بیشتر میگشت .

یکی از روش های عبدالحمید این بود که مخالفین سرسخت خود را با وعده و نوازش نزد خود میخواند همه گونه وسائل آسایش و احترام برای آنها فراهم می ساخت و آنها را زیر نظر خود میگرفت و در چمن قفس زرین زندانی میکرد . چنانکه بامر حوم سید جمال الدین چنین کرد تا مسمومش نمود یا بمرک خود از دنیا رفت و خیال خلیفه از جانب او راحت شد ، و اگر مخالفین باو نزدیک نمیشدند و بدامش نمی افتادند این دام را در هر زمین و شهری که بودند میگستراند ، برایشان خلعت و نشان میفرستاد و مقام منمبی بآنان میداد تا زبانشان بسته و از نظر مردم ساقط گردند ؛ چون کواکبی ، هشیار باین نقشه های شیطانی دربار خلافت بود باستانه آن روی نیارود و دعوتشان را نپذیرفت چون از این راه نتوانستند او را بدام آورند ، از باب عالی برایش خلعت و نشان افتخار فرستادند و اداره شهرداری حلب و اطراف آن را باو واگذار کردند ؛ ولی کواکبی پرنده شکم خواره نبود که برای دانه بدام افتد او عقاب بلندپروازی بود که محیط فکرش وسیع تر و هدفش عالیتر از توجه باین امور بود ، او پیوسته وضع نکبت بازمومی عالم اسلام و گذشته و آینده آنرا از افق بالاتری میدید ، او بهر سو چشم میگردد فساد و ظلم و جهل توده مردم را از یکسو ، و اعصاب تخدیر شده از ترس و ناامیدی و مهرهای خاموشی بر دهان زده شده مردان عالم و هشیار را از سوی دیگر و ناله مظلومان و زنان

بیوه شوهر کشته و اطفال یتیم بی سرپرست را می‌دید و می‌شنید ، با این چشم بینا و روح حساس چگونه مقام و مال دنیا می‌توانست اعصابش را تخدیر نماید یا روح آتش فشانش را این خاکسترها خاموش سازد ؛ میدید که جهان غرب قوای فکری وضعی خود را پیش میبرد و سیاست خود را جمع و تمرکز می‌سازد تا بر جهان شرق و کشورهای اسلامی بتازد و ملل آن را ببندد استعمار کشد و سرمایه‌ها و منابع آن را بر باید و آنها را زبون و خود را قوی و فربه سازد : میدید بهمین نسبت حکام و زمامداران اسلامی بر جهل و ناتوانی و پراکنندگی مسلمانان میکوشند چون از درس سیاست و اداره خلق همین‌را خوانده‌اند که هوشیاری و علم و قدرت ایمانی مردم با احاکمیت و خودسری آنها نمی‌سازد ، میدید سیاست استعماری با وسائل و ابزار نوین خود چون سیل خروشان پیش می‌آید و استبداد و خودسری در اثر پائین بردن سطح عمومی مردم و خیانت‌های داخلی راه را برای آن باز کرده و هستی مسلمانان را در معرض آن قرار داده پس از رنجها و محدودیتهائی که کواکبی در حلب و سوریا تحمل نمود و تجربیاتی که در این مدت بدست آورد باین نتیجه رسید که برای ثمر بخش شدن بندهای فکریش محیط آماده تری میباید ، محیطی که از فشار سخت و مرکز خلافت استبدادی و مراقبت عمال آن دورتر باشد ، و مردمش برای درک و فهم مطالب اجتماعی مستعدتر باشند ، او با نظر بلندی که داشت هر کشور اسلامی و عربی را وطن خود میدانست و یقین داشت که موج آزادی از استبداد و خودسری از هر کرانه کشور برخیزد بکرانه‌های دیگر میرسد ، باین اندیشه در سال ۱۳۱۸ هجری بمصر هجرت نمود ، گرچه مصر هم در زیر فشار استبداد دوران خاموشی را می‌گذراند و توده مردم در حال جمود فکری به سر می‌برند ، ولی هجرت سید جمال الدین بمصر و خطابه‌ها و نوشته‌ها و مناظرات او و جمعیت برادران اسلامی که تشکیل داد و پیدایش مردان دیگری از صاحبان نظر و ایمان و عزم ، مردمی را مستعد و هشیار کرده بود آقای شیخ محمد عبده در توصیف مصر پیش از رفتن سید جمال الدین با آنجا می‌گوید : « مردم مصر پیش از سال ۱۲۹۳ هـ چیزی خود را ملک حاکم اعلی و عمال او میدانستند که هر جور بخواهد تصرف نماید و در مقابل راه او خود را صاحب رأی و نمی‌پنداشتند

انقلابیاتی که در مصر و سودان پیش آمد مانند انقلاب عراقی پاشاه و متمدنی سودانی گرچه آرام و خاموش شده بود - ولی آثار و حرکتی در افکار و اعصاب باقی گذارده بود ، از جمعیت دیگر شاخ بشاخ شدن سیاست استعماری غرب که از طریق آفریقا پیش می آمد و استعمار ترک که در داخل بلاد اسلامی بود محیط حرکت و تکانی برای مردم آن سرزمین بوجود آورده بود ، در این میان مردان آزادمنش و متفکری برای مبارزه همصدا شده بودند و قلمپهائی بکار افتاده بود ؛ این بود اجمالی از وضع مصر هنگامیکه کواکبی وارد آن شد ، مردان صاحب نظر قائلین فکری مقدم و پراگرمی داشتند ، و باهم اجتماعات و مجالسی داشتند و با جامعه صاحبان قلم و نویسندگان نامی نیز همکاری میکرد و مقالاتی در باره استبداد و علل و آثار آن منتشر نمود که پس از انتشار آنها را یکجا جمع کرد و مطالبی بر آن افزود و بصورت کتاب پرارزش و مؤثری بنام « طبایع الاستبداد » چاپ کردید ، این کتاب که در موضوع و نوع خود بخصوص در آن زمان بیسابقه و بی مانند بود تأثیر بسزائی در افکار اهل نظر و دانشمندان اسلامی نمود .

چنانکه در فکر عمیق و روح آرام فقیه عالیقدر و عالم بی مانند آیه الله نائینی اثری ایجاد کرد و موجی پدید آورد که از قلمش کتاب دقیق و مستدل (تنبیه الامه و تنزیه المله) تراوش نمود - گرچه این کتاب در حین جنبش آزادی خواهی بعنوان مشروطیت نوشته شده ولی هدف کلی آن بیان احوال و شرائط حکومت از نظر اسلام و شیعه است ، و با آنچه در کشورهای اسلامی بصورت مشروطیت در آمده تطبیق نمی نماید جای تردید نیست که استقلال و عزت مسلمانان و ایجاد محیط مناسب برای رشد فکری و اخلاقی و حفظ حقوق و نوامیس وابسته بوضع حکومت و افراد هیئت حاکمه است ، و هر فرد رشید و عاقل مسلمانی تا آنجا که بتواند برای اصلاح حکومت در پیشگاه خداوند و انبیاء و اولیاء مسئولیت دارد و باید بوظیفه و تکلیف خود آشنا و روشن باشد ، این کتاب (که چند سال پیش با مقدمه و پا صفحه و شرح این جانب تجدید چاپ شده است) برای اهل تحقیق و نظر فقه استدلالی و برای عامه مردم رساله عملی نسبت به تکالیف اجتماعی است و در این فصل تاریخی که در نیادر حال یک تحول بی سابقه ایست بر علماء اسلام و پیشروایان دین است که مسلمانان از تجرد بلا تکلیفی نجات دهند و صریحا وظیفه عموم را تعیین نمایند .